



نبود دارو و کمبود داکتران؛

سکتور صحت و ولایت غور «فلج» است



معضل باشندهگان غور تنها کمبود دارو نیست، بلکه نبود داکتران زن در بخش‌های نسایی ولادی از دیگر چالش‌ها شمرده می‌شود. براساس شکایت باشندهگان غور، تنها در شفاخانه ولایتی شهر فیروزکوه دو پزشک زن فعالیت دارند. ولسوالی‌های این ولایت و بیشتر کلینیک‌های این ولایت داکتر زن ندارند. باشندهگان غور نبود پزشک زن در مراکز درمانی این ولایت را چالشی جدی عنوان می‌کنند و می‌گویند که به بیماران نسایی و ولادی رسیده‌گی درست نمی‌شود و آن چنانی که لازم است...

۵

سال شکست، سال پیروزی؛

درباره مبارزه زنان علیه طالبان

۶



سایه اژدهای سرخ روی معادن افغانستان؛

طالبان در نبود مشروعیت صلاحیت تصرف ثروت مله را ندارد

۳

سازمان حفاظت از کودکان، محروم کردن زنان از کار، کودکان را به کار مجبور خواهد کرد

سازمان حفاظت از کودکان هشدار داده است که با منع کار زنان در افغانستان، کودکان ممکن است مجبور شوند در خیابان‌ها، کارخانه‌ها یا در خانه‌های مردم کار کنند.

سازمان حفاظت از کودکان روز شنبه، ۱۷ جدی، گفته است که به دلیل منع کار زنان در سازمان‌های دولتی و غیردولتی، مجبور شده است تا فعالیت‌هایش را در افغانستان متوقف کند.

در خبرنامه سازمان حفاظت از کودکان آمده است که حضور زنان برای ارائه خدمات موثر این سازمان ضروری است.

به گفته سازمان حفاظت از کودکان، امدادگران زن ۵۰ درصد از نیروی کار این سازمان را تشکیل می‌دهند و حضورشان برای ارائه خدمات به زنان و دخترانی که به دلایل فرهنگی نمی‌توانند با امدادگران مرد تعامل داشته باشند، حیاتی است. ارزیابی‌های اخیر نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲، ۲۹ درصد از خانواده‌هایی که زنان سرپرستی آن‌ها را به دوش دارند، دست‌کم یک کودک درگیر کار داشته‌اند؛ در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۱، ۱۹ درصد بوده است.



ندیم: اسلام بسیار فقیر و مورد حملات کفار است



همدلی کرده است.

این در حالی است که در حدود ۱۰ روز پیش حسین ابراهیم طاهار، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی، از «کادیمی بین‌المللی فقه اسلامی» خواسته است که به سرعت یک کارزار جهانی را برای اتحاد علما و مراجع دینی جهان اسلام علیه تصمیم طالبان مبنی بر ممنوعیت دختران از آموزش آغاز کند.

ندیم در این دیدار گفته است که هدف رژیم این گروه اجرای شریعت است و به همین دلیل با انتقادات کافران و برخی از کشورهای اسلامی مواجه شده است. او افزوده است: «ما نه فقط برای افغانستان، بلکه برای همه مسلمانان خیر و پیشرفت می‌خواهیم.» در همین حال محمد الصغیر، رئیس هیات علمای دین، در این دیدار با طالبان ابراز

کابل: ندیم‌محمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان، گفته است «اسلام هم‌اکنون بسیار فقیر بوده و با حملات کفار مواجه است.» وزارت تحصیلات عالی طالبان روز شنبه، ۱۷ جدی، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که ندیم‌محمد ندیم با شماری از علمای دین از کشورهای مصر، سودان، لیبیا و فلسطین دیدار کرده است.

والی طالبان در غور به مسوول WFP:

کمک‌های موسسات باعث دل‌دردی مردم شده است



دین‌دوست علاوه کرده است: «هدف موسسات شفافیت نیست و عدالت اجتماعی در تطبیق برنامه‌هایشان وجود ندارد.»

والی طالبان در غور در حالی این سخنان را به مسوول سازمان غذایی جهان در زون غرب گفته است که پس از تسلط طالبان، تنها چشم مردم به این کمک‌ها دوخته شده است. گفته می‌شود که دین‌دوست بارها با مسوولان موسسه‌ها در غور رفتار نامناسب داشته و حتا باری فعالیت‌های این موسسه‌ها را توقف داده بود. طالبان در آخرین تصمیم خود کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی را نیز ممنوع کرده‌اند.

مردم نفاق، تفرقه و عدم یکدیگرپذیری را ایجاد کنند؛ چون حالا برنامه‌ها قسمی روی دست گرفته شده که باعث ایجاد فاصله و دل‌دردی ملت شده است.» او گفته است: «اگر هدف موسسات خدمت به مردم می‌بود، باید کارهای بنیادی از قبیل سرک، برق، بازسازی و تکمیل پروژه‌های نیمه را به مردم غور در نظر می‌گرفتند.»

غور: منابع محلی در ولایت غور از سفر عبدالقدیر عاصمی، مسوول زون غرب سازمان غذایی جهان (WFP) به ولایت غور و دیدار با والی طالبان در این ولایت خبر داده‌اند.

منابع می‌گویند که احمدشاه دین‌دوست، والی طالبان در غور، روز شنبه، ۱۷ جدی، در این دیدار گفته است: «موسسات هدفشان بشردوستی، کمک صادقانه و خدمت به ملت و جامعه بشری نمی‌باشد.» او افزوده است: «موسسات تطبیق برنامه‌های کمک‌رسانی خویش را طوری تنظیم کردند که در وقت بررسی و توزیع کمک‌ها در بین

اسلام، زنان و کابوسی به نام طالب

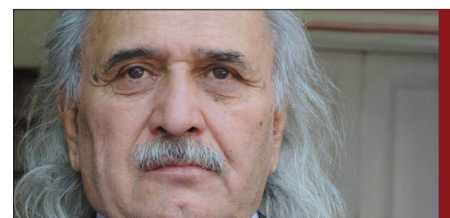


ایستاده‌گی برای تحصیل

۶

گویندهای خیامی

پاره‌ای از رباعی‌های خیام با واژه «گویند» آغاز می‌شود. گاهی هم «گویند» و «گفت» در متن رباعی‌هایش می‌آیند. خیام در چنین رباعی‌هایی مانند یک راوی پدیدار می‌شود. سخنانی را روایت می‌کند و بعد می‌رسد به نتیجه‌گیری‌ها و...



۷



طالبان، تاراج معادن و سود تروریسم بین الملل

معادن افغانستان برای بسیاری وسوسه انگیز بوده است. از گروه‌های مافیایی گرفته تا شرکت‌ها و کشورهای استثمارگر. در نظام پیشین، یکی از عوامل ضعف دولت به تلاش گروه‌هایی برمی‌گشت که نفع‌شان در تضعیف حاکمیت قانون و در کاهش کنترل دولت بر معادن طبیعی بود. آنان می‌کوشیدند تا افزون بر چالش طالبان، دولت با چالش‌های دیگری نیز روبه‌رو باشد و در برابر آن‌ها زمین‌گیر شود. با آن‌هم، وجود رسانه‌های آزاد و امکان خبررسانی بدون سانسور، سبب می‌شد که هر از گاهی خبرهایی از تاراج معادن به افکار عمومی درز کند و تدابیری موقت برای نظارت بر معادن روی دست گرفته شود؛ هر چند هیچ‌گاه اقدام اساسی در این زمینه صورت نمی‌گرفت. گاهی شماری از سیاست‌مداران فرصت‌طلب و بی‌پرنسیپ موظف در دولت، امتیاز استخراج برخی از معادن را به شرکت‌هایی واگذار می‌کردند که با استخبارات برخی کشورها وابسته بودند.

از زمانی که طالبان بر افغانستان تسلط یافته‌اند، صفحه جدیدی در تاریخچه تاراج بی‌حساب و کتاب معادن افغانستان گشوده شده است. این گروه با سرکوب رسانه‌های آزاد و اعمال شدیدترین سانسورها بر کار خبرنگاران، می‌کوشد بر واقعیت‌های تلخ و دردناک کشور پرده بیندازد و از درز هرگونه خبر مربوط به تاراج معادن به افکار عمومی جلوگیری کند. در سایه سرکوب و بی‌خبر نگه داشتن مردم از واقعیت‌ها، دست رهبران طالبان کاملاً باز است تا همه داروندار مملکت را هرگونه که می‌خواهند به یغما ببرند. در کشوری که بیش از ۲۵ میلیون تن زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند و روزانه با خیرات و تبرعات جهان روز خود را به شام می‌رسانند، مافیای حاکم بر گنجینه معادن نشسته و منافع میلیون دالری را به جیب می‌زند. در واقع، به همان میزان که مردم افغانستان به لحاظ اقتصادی نحیف‌تر و رنجورتر می‌شوند، حاکمان کنونی فربه‌تر و جیب‌های‌شان آماسیده‌تر می‌شود. چه با میلیون‌ها دالری که از غرب می‌گیرند و چه با اعاناتی که دولت ایران و قطر و بقیه برای رهبران این‌ها عرضه می‌کنند و چه با فروش معادن و واگذاری آن‌ها به شرکت‌های خارجی وابسته به استخبارات کشورهای مختلف. در این میان بدترین تجربه مردم افغانستان مربوط به شرکت‌های چینی است که در استثمارگری شهرت جهانی دارند. این شرکت‌ها در دوران جمهوری پیش‌ترین قراردادهای معادن افغانستان را از آن خود کردند؛ بدون این‌که گامی در راستای عمل به آن تعهدات بردارند و اکنون در فقدان دولت مشروع، بیش از هر زمان دیگر امکان چور و چپاول معادن برای‌شان میسر شده است.

سریازان ساده و پیاده طالبان با بلاهت تمام گمان می‌کنند که برای برپایی نظام اسلامی جنگیده‌اند و هرچه زنده‌گی را بر زنان و مردان افغانستان تلخ‌تر کنند، رسالت دینی‌شان را بهتر به انجام می‌رسانند. آنان نمی‌دانند که رهبران آنان اکنون جهاد اکبر خود را برای دزدی و اختلاس شروع کرده و روی کارتل‌های امریکایی لاتین را سفید می‌کنند. معلومات میدانی از افغانستان نشان می‌دهد که ملا حسن، رییس‌الوزرای طالبان، ملا برادر معاون او، ملا یعقوب، وزیر دفاع، ملا سراج حقانی، وزیر داخله، ملا امیرخان متقی، وزیر خارجه و ملا شهاب‌الدین دلاور وزیر معادن طالبان، بخشی از سران این شبکه مافیایی هستند که فرزندان، برادران، دامادان و دیگر وابسته‌گان‌شان را، علاوه بر قاچاق مواد مخدر، بر منابع عایداتی کشور گماشته و بزرگ‌ترین دزدی‌های تاریخ افغانستان را کلید زده‌اند. بخشی از شرکای آنان گروه‌های القاعده، انصارالله و دیگر سازمان‌های تروریستی‌اند که تاراج این معادن سرچشمه تجهیز و تمویل‌شان است. افغانستان به یغما می‌رود و مافیا و تروریسم قوی پنجه‌تر می‌شوند.

طالبان: ملا هبت‌الله آخوندزاده از یک مرکز نظامی در هلمند بازدید کرد



هیچ عکس و ویدیویی از این فعالیت‌هایش را منتشر نکرده‌اند. وزارت دفاع طالبان در مورد زمان بازدید ملا هبت‌الله جزئیاتی نداده و این بار نیز تصویری از او را منتشر نکرده است. از سویی هم، منابع به ۸ صبح می‌گویند که فرماندهان طالبان در قول اردوی ۲۱۵ هلمند از چندی به این‌سو درگیر اختلاف شده‌اند. بر بنیاد معلومات این منابع، سران طالبان از تشدید اختلافات در این مرکز نظامی‌شان به شدت نگران‌اند و برخی از آنان از این مرکز دیدار کرده‌اند.

۸ صبح، هلمند: وزارت دفاع طالبان در خبرنامه‌ای از بازدید ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر غایب این گروه، از قول اردوی ۲۱۵ عزم این گروه، در هلمند خبر داده است. بر اساس این خبرنامه که روز شنبه، ۱۷ جدی نشر شده، رهبر طالبان با نیروهای این گروه در قول اردوی ۲۱۵، دیدار کرده است. وزارت دفاع طالبان می‌گوید که ملا هبت‌الله آخوندزاده در جریان بازدید از قول اردوی عزم از همکاری کامل در تمامی بخش‌ها اطمینان داده است. طالبان در حالی خبر دیدارها، سخنرانی‌ها و برنامه‌های این رهبر غایب‌شان را به نشر می‌رسانند که تاکنون

تفنگ‌داران ناشناس در پروان یک بزرگ قومی را تیرباران کردند

۸ صبح، پروان: منابع محلی از تیرباران یک بزرگ قومی از سوی افراد مسلح ناشناس در پروان خبر می‌دهند. این رویداد حوالی ساعت ۹:۰۰ جمعه‌شب، ۱۶ جدی، در منطقه مناره ولسوالی جبل‌السراج ولایت پروان به وقوع پیوسته است. به گفته منابع، این فرد صافی نام داشت و از

سوی طالبان به‌تازگی به حیث قریه‌دار بخشی از منطقه مناره ولسوالی جبل‌السراج گماشته شده بود. منابع تصریح می‌کنند که افراد مسلح ناشناس این بزرگ قومی را در بیرون از منزلش تیرباران کرده‌اند. گفتنی است که پیش از این نیز رویدادهای مشابه در ولایت پروان رخ داده است.

پولیس پاکستان یک خبرنگار افغان را بازداشت کرده است

می‌شود که از سوی پولیس پاکستان بازداشت شده است. به گفته منابع، سلطانی در ایست بازرسی پولیس پاکستان در شهر حیدرآباد بازداشت شده است. هنوز معلوم نیست که این خبرنگار به چه اتهامی زندانی شده است. در همین حال، انجمن همبسته‌گی خبرنگاران افغانستان در نامه‌ای به پولیس پاکستان گفته است که اسدالله سلطانی به مدت دو سال تصویربردار این نهاد بود. این انجمن از پولیس پاکستان خواسته است تا سلطانی را رها کند. پیش از این نیز پولیس پاکستان به بازداشت شهروندان افغان که از ترس طالبان به آن کشور پناه برده‌اند، متهم شده است.



۸ صبح، کابل: منابع از بازداشت یک خبرنگار افغان از سوی پولیس پاکستان خبر می‌دهند. منابع روز شنبه، ۱۷ جدی، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این خبرنگار اسدالله سلطانی نام دارد و چند روز

طالبان به امامان مساجد در غور: نظامیان پیشین را به ما معرفی کنید



پیشین را بکشید، آن‌ها کمونیست‌های سابق‌اند.» این دستور شفاهی طالبان در حالی صادر می‌شود که پس از روی کار آمدن این گروه، همواره بازداشت، شکنجه و در بسا موارد قتل نظامیان پیشین در ولایت‌های مختلف از سوی این گروه ارتکاب یافته است.

۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور از تلاش طالبان برای شناسایی نظامیان پیشین در این ولایت خبر می‌دهند. منابع روز شنبه، ۱۷ جوزا، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان به ملامامان مساجد دستور شفاهی داده‌اند که نظامیان پیشین را شناسایی و به این گروه معرفی کنند. منابع اضافه می‌کنند که طالبان از یک هفته به این‌سو از طریق ملامامان مسجدها به شمول مرکز، در شماری از ولسوالی‌های این ولایت نیز در تلاش شناسایی نظامیان حکومت پیشین‌اند. از جانبی، یک منبع در ولایت غور به روزنامه ۸ صبح تایید می‌کند که والی طالبان در این ولایت چند ماه پیش در یکی از جلس‌های ولایت گفته است: «نظامیان

کارگران معدن طلا در بدخشان پس از ۶۱ ساعت نجات یافتند

۸ صبح، بدخشان: طالبان در بدخشان می‌گویند که عملیات نجات کارگران گیرمانده در یک معدن طلا در ولسوالی یوان این ولایت، پس از حدود ۶۱ ساعت پایان یافته است. معزالدین احمدی، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در بدخشان، می‌گوید که عملیات نجات حوالی ساعت ۰۹:۳۰ شنبه‌شب، ۱۷ جدی، پایان یافته است. او افزوده است که هر سه کارگر گیرمانده از زیر آوار زنده بیرون کشیده شده‌اند. گفته می‌شود که یکی از این افراد ساعاتی پیش نجات داده شده و دو تن دیگر در آخرین دقیق عملیات نجات، زنده بیرون کشیده شده‌اند. رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در بدخشان افزوده است که وضعیت صحتی دو تن که تازه نجات داده شده‌اند، خوب است و در حال حاضر تحت مراقبت تیم صحتی در ولسوالی یوان قرار دارند. پیش از این گزارش شده بود که در اثر لغزش یک کوه در بدخشان حدود ۱۰ کارگر در داخل یک معدن طلا گیر مانده‌اند.



دیلی بیست

القاعده به خواست طالبان علت مرگ ایمن الظواهری را جعلی اعلام می‌کند



۸ صبح، کابل: ماه‌ها پس از کشته شدن رهبر القاعده در کابل، دیلی‌بیست گزارش داده که قرار است شبکه القاعده علت مرگ رهبر این شبکه را جعلی اعلام کند. دیلی‌بیست به نقل از منابع روز شنبه، ۱۷ جدی، گزارش داده که القاعده قرار است علت مرگ رهبر این شبکه را بیماری اعلام کند. بر بنیاد معلومات نشر شده، طالبان به القاعده التماس کرده‌اند تا مرگ رهبر این شبکه را تأیید یا رد نکنند.

منابع به این رسانه گفته‌اند که حمله امریکا بر ایمن‌الظواهری این را فاش کرده که طالبان قادر به ارائه خدمات محافظتی نیستند و بر بنیاد مدارک به دست آمده، سی‌آی‌ای حتی دوربین‌های کشفی و دستگاه‌های جاسوسی را در اتاق و تخت خواب ایمن‌الظواهری نصب کرده بود.

منابع به دیلی‌بیست گفته‌اند: «الظواهری و اسامه آرزوی شهادت داشتند و هر دو به آرزوی خود رسیدند؛ اما القاعده آن را پنهان می‌کند تا طالبان را از پیامدهای فاجعه‌بار حضور رهبر این شبکه در کابل نجات دهد.»

پس از مرگ ایمن‌الظواهری رقابت میان سیفالعدل، از چهره‌های کهنه‌کار القاعده، یاسین‌السوری، از سرمایه‌گذاران ارشد این گروه تروریستی مستقر در ایران و عبدالرحمان المغربي، داماد ایمن‌الظواهری، بر سر جانشینی او جریان دارد.

گفتنی است که یک ماه پیش نیز القاعده با نشر نوار شنیداری منصوب به ایمن‌الظواهری تلاش کرد تا کشته شدن او در اثر حمله هوپیمای بی‌سرنشین امریکا در کابل را کذب ثابت کند.

سایه اژدهای سرخ روی معادن افغانستان؛

طالبان در نبود مشروعیت صلاحیت تصرف ثروت مله را ندارد



عقد قرارداد بر اساس همه اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده حقوقی و عرفی میان دو شخص/ نهاد یا بیشتر از آن صورت می‌گیرد که آن اشخاص حقیقی و حکمی باشند و صلاحیت امضای قرارداد را داشته باشند. در اصطلاح حقوقی به این شرایط و ویژگی‌های آن «اهلیت» گفته می‌شود. اهلیت در کلی‌ترین شکل آن توانایی قانونی برای دارا شدن حق یا اجرای آن است؛ اما زمانی که این قرارداد یک عنصر خارجی داشته باشد، شامل قراردادهای بین‌المللی و تابع قوانین و عرف بین‌المللی می‌شود.

سال ۱۴۰۰ به نشر رسیده، نشان می‌دهد که این وزارت تا تسلط طالبان ۱۳۷ قرارداد فعال در عرصه استخراج معادن در کشور داشته است.

عقد قرارداد با شرکت‌های خصوصی داخلی و خطرات احتمالی

طالبان در طول یک‌ونیم سال گذشته از امضای چندین قرارداد در عرصه کندن کاری و استخراج منابع زیرزمینی با شرکت‌های داخلی نیز خبر داده‌اند. عدم شفافیت در عقد قراردادهای و استخدام کارگران ساده محلی در معادن، خطرات معدن‌کاوی را افزایش داده است. روند غیرقانونی و غیرمعیاری معادن به شدت جریان دارد و به تازه‌گی با لغزش یک معدن در ولایت بدخشان، چندین تن گیر مانده‌اند. روز گذشته یک کارگر معدن طلا پس از ۴۰ ساعت از زیر خاک در ولسوالی یوان این ولایت نجات یافت. استخراج غیرمسلکی و غیرقانونی در حالی صورت می‌گیرد که به خطرات روند استخراج معادن اصلاً توجهی صورت نمی‌گیرد.

عدم توانایی مسلکی طالبان در استخراج معادن

طالبان در حال حاضر توانایی مسلکی استخراج معادن را ندارند. استخراج زغال‌سنگ، کرومیت، تالک و مرمر را که استخراج‌شان آسان است، به میزان بالایی استخراج و به صورت خام و با کم‌ترین قیمت به کشورهای همسایه از جمله ایران و پاکستان به فروش می‌رسانند. به گفته آگاهان امور، روند استخراج کنونی از سوی شرکت‌های غیرمتخصص و بی‌تجربه، نه تنها سودی برای کشور ندارد، بلکه برعلاوه غارت ثروت ملی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر محیط زیست نیز وارد می‌کند.

فرار مغزها و سوءاستفاده طالبان از معادن

پس از تسلط طالبان، اکثر نخه‌گان عرصه‌های مختلف، کشور را به شکل گروهی ترک کرده‌اند. مسوولان متخصص بیشتر از وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی از سوی طالبان برکنار و به جای آنان افراد منسوب به طالبان گماشته شده‌اند. شمار زیادی از متخصصان کارفهم در عرصه معادن و منابع طبیعی، افغانستان را ترک و مدیریت سکتور معادن به دست کسانی افتاده که معلومات ابتدایی در این مورد ندارند. شماری از شهروندان کشور به این عقیده‌اند که در چنین وضعیتی، خیز طالبان در سکتور معادن، مصیبت و غارت در این عرصه را افزایش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۵

اعلامیه این جبهه آمده است: «معادن مالکیت یک گروه مشخص نبوده، سرمایه ملی است و هرنوع تصمیم در این مورد باید از طریق مراجع قانونی و مشروع مردمی صورت گیرد.»

واکنش شهروندان و مقام‌های دولت پیشین

شماری از شهروندان کشور با نگرانی از امضای این قرارداد، به این باورند که سرمایه‌های ملی کشور با «حاتم‌بخشی‌های طالبان» به بی‌غما برده می‌شود. به گفته آنان، این گروه مشروعیت داخلی و بین‌المللی ندارد و نمی‌توانند از افغانستان نماینده‌گی کنند و در مورد سرمایه‌های ملی این کشور تصمیم بگیرند.

احمد رویین (نام مستعار) یکی از انجمنیان عرصه معادن است. او که تجربه کار در این عرصه را دارد و به دلیل ترس از طالبان نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، در صحبت با روزنامه ۸صبح چنین می‌گوید: «طالبان در ۲۰ سال گذشته معادن را به شکل بی‌رویه استخراج و قاچاق کرده‌اند و اکنون نیز می‌خواهند با قراردادهای ضعیف و نامشروع، زمینه استخراج بی‌حساب و کتاب، فروش بی‌رویه منابع معدنی را به حامیان منطقه‌ای‌شان فراهم سازند و جیب خویش را پر کنند.»

شمار زیادی از شهروندان در فضای مجازی نوشته‌اند: «عواطف ناچیز این قراردادهای به هیچ صورتی نمی‌تواند سوراخ‌های اقتصادی افغانستان را پر کند. این تلاش طالبان تنها برای تأمین مایحتاج خودشان صورت می‌گیرد.» آنان معتقدند که عقد قرارداد با کمپنی‌های چینی عواقب خطرناک برای افغانستان دارد و این کشور در تمام کشورهای افریقای در استخراج معادن کم‌ترین سود را به کشورهای میزبان می‌دهد.

فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پیشین نیز در این زمینه واکنش نشان داده است. او در توییتی نگاشته است: «قراردادهای درازمدت، به ویژه در زمینه استخراج معادن با یک گروه فاقد مشروعیت ملی و بین‌المللی الزامیت حقوقی ندارد و با روی کار آمدن حاکمیت مشروع اجرایی نخواهد بود. چینی‌ها با کدام ضمانت حقوقی آن‌هم در فقدان قانون و محاکم معیاری در افغانستان با گروه طالبان قرارداد می‌بندند؟» شماری زیادی از چهره‌های دولت پیشین و شهروندان در این مورد واکنش‌های مشابه داشته‌اند.

شهروندان، سیاستمداران و آگاهان امور حقوقی در حالی از عقد قرارداد استخراج معادن کشور از سوی طالبان با چینی‌ها انتقاد می‌کنند که این گروه به شکل بی‌رویه و غیرقانونی به استخراج معادن در یک سال گذشته ادامه داده‌اند. براساس فهرستی که از سوی وزارت معادن در

قرارداد یک عنصر خارجی داشته باشد، شامل قراردادهای بین‌المللی و تابع قوانین و عرف بین‌المللی می‌شود. کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، معاهده‌ای که اکثریت کشورهای جهان آن را به امضا رسانده‌اند، در حقوق بین‌المللی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. این کنوانسیون ۸۵ ماده، یک ضمیمه و چندین اعلامیه و قطع‌نامه تکمیلی دارد. اساسی‌ترین موضوعات حقوق بین‌المللی در این کنوانسیون آمده و در مقدمه آن از چند اصل کلی حقوق بین‌الملل از جمله این که «اصل حسن نیت، قاعده الزام‌آور بودن تعهدات و اصل تساوی حقوق ملت‌ها است. در عین حال، احترام به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل را نیز مورد تأیید قرار داده است.» این در حالی است که طالبان تاکنون به‌عنوان یک دولت رسمی از سوی هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشده است و نیز از مشروعیت داخلی برخوردار نیستند و اصل تساوی حقوق ملت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند و مبنای مشروعیت خویش را نیز مردم و مطالبات مردم نمی‌دانند. طالبان در حالی نخستین و بزرگ‌ترین قرارداد استخراج نفت را با چین به امضا رسانده که پیش از این، شماری از کارشناسان دولت چین را به همکاری با طالبان در سرنگون کردن نظام جمهوری متهم کرده و گفته‌اند که این کشور به استخراج معادن به قیمت نازل و دولت ضعیف و مجبور در افغانستان چشم دوخته است. به گفته آنان، چین در حالی که طالبان را به رسمیت شناخته، اما با این گروه قرارداد می‌بندد و حسن همجواری و عرف بین‌المللی را در نظر نمی‌گیرد. با این حال، امضای این قرارداد واکنش‌های گسترده‌ای را میان شهروندان و نیروهای مخالف طالبان برانگیخته است. جبهه مقاومت ملی، شماری از چهره‌های سیاسی و مقام‌های حکومت پیشین می‌گویند که طالبان از مشروعیت داخلی و بین‌المللی برخوردار نیستند و نمی‌توانند در مورد ثروت ملی افغانستان تصمیم بگیرند.

واکنش جبهه مقاومت ملی

جبهه مقاومت ملی با صدور اعلامیه‌ای گفته است که امضای هرگونه سند حقوقی الزام‌آور بین‌المللی، از جمله قرارداد استخراج نفت «آمودریا» میان یک شرکت چینی و گروه طالبان غیرقانونی و خلاف موازین بین‌المللی است. به گفته این جبهه، طالبان به دلیل عدم مشروعیت داخلی و اعتبار بین‌المللی، صلاحیت امضای چنین قراردادی را ندارند. در این اعلامیه گفته شده که چین «خلاف تعهدات به قوانین بین‌المللی و حسن همجواری که باعث رنجش و تحریک حساسیت مردم و عمیق‌تر شدن بحران کنونی افغانستان می‌شود، اقدام نکند.» در

استخراج معادن در افغانستان همواره یکی از چالش‌ها و نگرانی‌های جدی بوده است. دولت پیشین به دلیل عدم شفافیت در قراردادهای نامنی‌های گسترده، بی‌میلی شرکت‌های معتبر بین‌المللی به دلیل فساد اداری و مالی و عدم کارگزاران غیرمسلکی، نتوانست در این زمینه گام‌های عملی و سرنوشت‌ساز بردارد. طالبان به‌تازگی نخستین و بزرگ‌ترین قرارداد استخراج نفت در حوزه «آمودریا» را برای مدت ۲۵ سال با یک شرکت چینی به امضا رسانده‌اند. این در حالی است که شماری از شهروندان و کارشناسان، معادن کشور را یگانه ثروت ملی می‌دانند و تأکید می‌کنند که هیچ شرکت و کشوری حق ندارد با یک رژیم نامشروع، غیرمسلکی و غیرمسوول قرارداد بسته کند. جبهه مقاومت ملی نیز امضای این قرارداد را غیرقانونی خوانده و گفته است که چین نباید با رژیم نامشروع طالبان خلاف قوانین و عرف بین‌المللی قرارداد ببندد.

براساس گزارش‌ها، طالبان روز پنج‌شنبه، ۱۵ جدی، با یک شرکت چینی قرارداد ۲۵ ساله برای استخراج نفت از حوزه نفتی «آمودریا» بسته‌اند. شهاب‌الدین دلاور، سرپرست وزارت معادن طالبان و نماینده شرکت چینی «شرکت نفت و گاز آسیای مرکزی در سین‌کیانگ» (CPEIC) با حضور عبدالغنی برادر، معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان و وانگ‌یو، سفیر چین در کابل، این قرارداد را امضا کرده‌اند. سرپرست وزارت معادن طالبان در مراسم امضای این قرارداد گفته است که از مساحت چهار هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع حوزه نفتی «آمودریا» که ولایت‌های سرپل، جوزجان و فاریاب را دربر می‌گیرد، نفت استخراج خواهد شد. شرکت چینی در جریان یک سال، ۱۵۰ میلیون دالر و در طی سه سال آینده ۵۴۰ میلیون دالر امریکایی در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کند. سهم طالبان در این قرارداد در گام نخست ۲۰ درصد و سپس به ۷۵ درصد افزایش خواهد یافت.

عقد قرارداد و فقدان مشروعیت

عقد قرارداد بر اساس همه اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده حقوقی و عرفی میان دو شخص/ نهاد یا بیشتر از آن صورت می‌گیرد که آن اشخاص حقیقی و حکمی باشند و صلاحیت امضای قرارداد را داشته باشند. در اصطلاح حقوقی به این شرایط و ویژگی‌های آن «اهلیت» گفته می‌شود. اهلیت در کلی‌ترین شکل آن توانایی قانونی برای دارا شدن حق یا اجرای آن است؛ اما زمانی که این



امیر کاوه

انزوای زنان و پیامدهای آن

بر بنیاد معلومات دفتر هماهنگی کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، بیش از ۲۵ میلیون تن در افغانستان زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند؛ یعنی بیش از نیم جمعیت کشور دچار ناامنی غذایی است. این در حالی است که طالبان نیمی از نفوس افغانستان را از تمام فعالیت‌ها منع کرده و همچنان جنگ چندین دهه اخیر از خانواده‌ها قربانی گرفته و کودکان زیادی را یتیم ساخته است.

محمد آقا دریابی

در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، وقتی طالبان قدرت را در دست گرفتند، بیانیه‌های زیادی را صادر کردند و مدعی شدند که تمام حقوق مردم را طبق احکام شریعت حفظ خواهند کرد و تنها حجاب را برای زنان اجباری می‌دانستند، اما متأسفانه آن‌چه را در جریان یک‌و نیم سال گذشته شاهد بودیم، بسیار متفاوت با این موضوعات بود. رویکرد نیمه‌بدوی و به ادعای آن‌ها شرعی، باعث شده که زنان افغان از حقوق ابتدایی و اولیه خود نیز محروم شوند. مواردی مثل منع مسافرت بدون حضور محرم، منع تحصیل دختران در مکتب و دانشگاه، ممانعت از کار زنان در ادارات داخلی و موسسات بین‌المللی، منع مراجعه زنان به مساجد، منع رفتن زنان به حمام‌های عمومی زنانه و نانوائی‌های زنانه، نمونه‌هایی از محدودیت‌هایی است که طالبان تا حال به صورت رسمی آن‌ها را اعلام و اعمال کرده‌اند. این‌که در روزهای آینده کدام دستورالعمل‌های تازه از این گروه صادر می‌شود، معلوم نیست؛ احتمالاً دستور بعدی طالبان منع مطلق زنان از فضای باز خواهد بود که زنان قادر نخواهند بود که از خانه‌ها بیرون برآیند. تبعات این فرمان‌ها آینده بسیار تاریک و مبهم در پی خواهد داشت. من تلاش خواهم کرد تا در این مقاله کوتاه پیامدهای این رویکرد طالبانی را بیان کنم.

پیامدهای حذف زنان

۱. تبعات اقتصادی: جمعیت فعال یک کشور، میزان عرضه نیروی کار آن کشور را تشکیل می‌دهد. جمعیتی که دارای فعالیت سودمند هست به تولید ثروت و خدمات اقتصادی می‌پردازد؛ از این رو، حذف زنان از تمام فعالیت‌ها که تقریباً نیمی از نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند، پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیر بر جامعه اقتصادی خواهد داشت. هر قدر زنان در انزوا قرار گیرد، اقتصاد و بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌یابد، تنوع اقتصادی و برابری درآمد را از بین می‌برد، عدم وجود خلاقیت و کارآفرینی زنان موانع سرمایه‌گذاری را بیشتر می‌کند که در نتیجه فضای کسب‌وکار از رقابت باز می‌ماند و تولید ناخالص داخلی بنا بر عدم اشتغال زنان کاهش چشم‌گیری خواهد داشت. طالبان تلاش خواهد کرد تا با اعمال مالیات‌های سنگین بالای مردم این نرخ را بالا ببرد، اما این عملکرد طالبان دامنه فقر را بیشتر کرده و در نتیجه باعث کوچ اجباری شده و مردم زیادی کشور را ترک خواهند کرد. از سوی دیگر، منع زنان از تحصیلات، تولید یا بازده اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طالبان نمی‌توانند هیچ جایگزینی را پیدا کنند که این خلای بزرگ اقتصادی را پر کند.

۲. تبعات خانوادگی و اجتماعی

– گسترش فقر در جامعه: بر بنیاد معلومات دفتر هماهنگی کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، بیش از ۲۵ میلیون تن در افغانستان زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند؛ یعنی بیش از نیم جمعیت کشور دچار ناامنی غذایی است. این در حالی است که طالبان نیمی از نفوس افغانستان را از تمام فعالیت‌ها منع کرده و همچنان جنگ چندین دهه اخیر از خانواده‌ها قربانی گرفته و کودکان زیادی را یتیم ساخته است. چون سهم مردان در میدان جنگ خیلی بیشتر از زنان کشور بود، از این‌رو، زنان زیادی بیوه شدند و مسوولیت تأمین نفقه خانواده به دوش زنان افتاد. مادران این سرزمین



طالبان با ممنوع ساختن کار و تحصیل زنان، زمینه ازدواج‌های اجباری را تشدید کرده است؛ فشار خانواده‌ها بر دختران که بنا بر فرامین طالبان بیکار و یا از تحصیل بازمانده‌اند، افزایش یافته است. والدین، دختران‌شان را بدون در نظر داشت رضایت و تمایل آن‌ها، بنا بر مشکلات اقتصادی وادار به ازدواج می‌کنند که آن‌ها بالاخره تن به ازدواج اجباری می‌دهد.

در طول چندین سال ثابت ساخت که سرپرستان خوبی برای فرزندان‌شان هستند، اما عمل کرد زن‌ستیزانه طالبان زنده‌گی زنان شاغل را بیشتر از هر قشر دیگر متأثر ساخته است.

– ازدواج‌های اجباری و زیر سن: طالبان با ممنوع ساختن کار و تحصیل زنان، زمینه ازدواج‌های اجباری را تشدید کرده است؛ فشار خانواده‌ها بر دختران که بنا بر فرامین طالبان بیکار و یا از تحصیل بازمانده‌اند، افزایش یافته است. والدین، دختران‌شان را بدون در نظر داشت رضایت و تمایل آن‌ها، بنا بر مشکلات اقتصادی وادار به ازدواج می‌کنند که آن‌ها بالاخره تن به ازدواج اجباری می‌دهد. ازدواج اجباری و اکثراً زیر سن دارای نشانه‌ها و تبعات اجتماعی زیادی است که تفاوت زیاد سن بین زوجین یکی از نشانه‌های این ازدواج است. ازدواجی که زوجین در آن نقش نداشته، بلکه با هماهنگی والدین انجام می‌پذیرد. والدین بدون در نظر گرفتن اثرات درازمدت این نوع ازدواج‌ها، دختران‌شان را یک عمر تحت تأثیر شدید روحی و روانی قرار می‌دهد. والدین شاید به این درک رسیده باشد که اگر دختران آن‌ها طبق میل خود و در زمان مناسب ازدواج کنند، پنجره دیگری از امید به روی دختران‌شان باز می‌شود، اما عملکرد طالبان این روزنه را هم به‌روی دختران بست.

– گسترش خشونت‌های خانوادگی: محصور بودن زنان در فضای بسته و سپری کردن تمامی اوقات با خانواده و یا شریک زنده‌گی در فضای تنگ خانه، می‌تواند یک چالش بزرگ باشد. این

مسأله برای بسیاری از افراد موجب ازدیاد استرس می‌شود که در نتیجه باعث اختلافات میان والدین و کودکان می‌شود. نداشتن سرگرمی و وجود فقر باعث ازدیاد خشونت‌های فامیلی می‌شود که بعضاً منجر به طلاق، خودکشی و از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود.

– اختلالات روانی و افسرده‌گی: حفظ سلامت روان به اندازه سلامت جسمی هر فرد در جامعه ارزشمند بوده و در کشورهای جهان هر قدر میانگین سلامت روان افراد بالا باشد، به همان اندازه آن جامعه عاری از خشونت خواهد بود. ما انسان‌ها نمی‌توانیم به آسانی و به تنهایی بر استرس محیطی و طبیعی خود غلبه کنیم، بلکه با همکاری با سازمان‌ها، سلامت روان را می‌توان تا حدی حفظ کرد. تحت فشار قرار دادن و به انزوا کشاندن زنان، سلامت روان این قشر را به شدت آسیب می‌رساند. افسرده‌گی یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناسی است. این عارضه می‌تواند باعث مختل شدن زنده‌گی فرد و در نهایت خانواده و جامعه شود. کاهش ارتباطات و پرخاشگری اثرات ناخوشایند این پدیده است.

– افزایش نگرانی‌های تربیتی: تربیت بخش جداناپذیر از جامعه پویا است. فقدان این جزء مهم و ضروری، باعث به انزوا کشاندن جامعه می‌گردد. تربیت برای پیشرفت و پیچیده‌گی‌های جامعه بشری، جزء لاینفک از زنده‌گی بوده و والدین ضرورت دارد تا مهارت‌های کافی برای شناخت این پیچیده‌گی‌ها و یا رویارویی با مشکلات و معضلات جدید داشته باشد تا قابلیت‌های کافی

برای نیازمندی‌های نوین در تربیت فرزندان خود را پیدا کند. ممنوع ساختن زنان از تحصیل این نگرانی‌ها را افزایش داده و نسل نوین این سرزمین را به دست کسانی خواهد سپرد که از معلومات و سواد کافی برای تربیت فرزندان‌شان برخوردار نخواهد بود.

در تمام کشورهای جهان نیمی از نفوس کشور را زنان تشکیل می‌دهد. در هر کشوری نیروی انسانی کارآمد نقش مهم را در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. بدون شک نقش زنان که تقریباً نیمی از نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند، اهمیت بسزایی دارد. امروز کشورهای جهان برنامه‌هایی را روی دست می‌گیرد که توانمندی زنان را تقویت کند و زنان را قادر بسازد تا در تمام عرصه‌ها نقش فعال داشته باشد؛ اما متأسفانه حکومت نیم‌بند طالبان تمامی فعالیت‌های زنان را ممنوع کرده است. بدون درک از این‌که ملت و جامعه با چه سرنوشت روبه‌رو خواهد شد. به نظر من، این رویکرد طالبان نه تنها زنان را در حاشیه قرار می‌دهد، بلکه این گروه را بیشتر از پیش در یک انزوای سیاسی قرار خواهد داد.

سران طالبان که ۲۰ سال گذشته در حصر بودند، باید بهتر از دیگران معنای آزادی را درک کنند. آن‌ها چه مزیتی در فضای بسته دیده‌اند که زنان و مادران این سرزمین را در آن شرایط قرار می‌دهند؟ مگر در بند بودن مزایا هم دارد؟

لطفاً با کمی درک از آزادی، زنان این سرزمین را آزادی دهید که اگر فرصت حقیقی و واقعی برای زنان افغان داده شود، سهم خود را بیشتر از مردان ادا خواهند کرد و در بسیاری از کشورهای جهان که زمام امور به دست زنان است، آن کشورها شاهد پیشرفت و تحول بزرگی در همگام بودن با دنیای امروزی است.

من به عنوان یک معلم، هیچ تصویری از صنف‌های آموزشی بدون دختران کرده نمی‌توانم. آموزش دختران و پسران مستلزم یک‌دیگرند، آن‌ها باهم درس می‌خوانند، تلاش می‌کنند، همدیگر خود را کمک و یاری می‌رسانند و یک صف‌آرایی منظم را تشکیل می‌دهند که ما نمونه بارز آن را در خانواده‌ها داریم که خواهران با برادران‌شان یکجا درس می‌خوانند و با اشتیاق زیاد همدیگر را کمک و دعوت به سوی علم و دانش می‌کنند؛ اما حالا این شور و شوق مرده است. استاد به شاگردان خود توضیح داده نمی‌تواند که چرا زنان حق تحصیل ندارد. این یکی از بزرگ‌ترین معماهای حل‌ناشده است که هر استادی را به سکوت دعوت می‌کند. کسب علم و دانش مردم را از جهالت بازمی‌دارد و به سوی نیکی و روشنایی سوق می‌دهد. طالبان با در نظر داشت اهمیت علم و این‌که دانستن آن بر مرد و زن فرض است، دروازه‌های مکاتب و پوهنتون‌ها را باید به‌روی دختران باز کنند. زینده این سرزمین نیست که با قدامت تمدن پنج‌هزارساله، تاریکی را بر روشنایی ترجیح دهد. تأمین سلامت اجتماعی و بهداشت روانی مستلزم درک فرهنگی و اجتماعی مردم است که به‌سادگی میسر نمی‌شود. طالبان باید واقعیت‌ها و حقیقت‌های ساختاری، فرهنگی و اجتماعی افغانستان را درک و قبول کند. نادیده گرفتن این موارد می‌تواند باعث گسترش مشکلات روانی مردم شود. تا زمانی که مردم به آزادی و حقوق اساسی خود دسترسی نداشته باشد، این پدیده بیشتر گسترش کرده و جامعه را در تاریکی مطلق قرار می‌دهد. پذیرفتن حقیقت‌های ساختاری، فرهنگی و اجتماعی افغانستان خود کلیدی است برای هر در بسته.

سکتور صحت و ولایت غور «فلج» است



۸ صبح، غور

با فرارسیدن فصل سرما و ریزش نخستین برف، راه‌های ولایت غور با ولایت‌های کابل و هرات مسدود می‌شود. در کنار جاده‌های عمومی، راه‌های مرکز این ولایت به بیشتر ولسوالی‌ها نیز به دلیل برف‌باری بسته می‌شود. باشندگان غور از کمبود دارو و داکتران زن در مرکز و ولسوالی‌های این ولایت شکایت دارند. آنان می‌گویند که بخش صحت این ولایت فلج است. باشندگان غور هشدار می‌دهند که در صورت ادامه بی‌توجهی وزارت صحت عامه طالبان به سکتور صحتی این ولایت، بیماران در نبود دسترسی به دارو و داکتر، در زمستان پیش‌رو تلف خواهند شد.

عبدالله، باشندگان روستای کفترخان ولسوالی تولک، از نبود دارو و امکانات طبی در کلینیک این ولسوالی شکایت دارد. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که سال‌های قبل با مراجعه به کلینیک و پس از تشخیص داکتر از طرف کلینیک چندین نوع دارو به بیمار داده می‌شد، امسال اما توزیع دارو قطع شده است. این باشندگان ولسوالی تولک می‌افزاید: «سال‌های جلوتر وقتی به کلینیک می‌رفتم، چند نوع قرص از طرف کلینیک به ما داده می‌شد و دواهای خوبی هم بود. اکثریت وقت‌ها از همان دواها استفاده می‌کردیم و نیاز نبود به دواخانه برویم و دوا بگیریم؛ اما امسال پس از معاینه داکتران نسخه نوشته می‌کنند که مستقیم به دواخانه مراجعه کنید. وقتی می‌گویم چرا از خود کلینیک برای ما دوا توزیع نمی‌شود، می‌گویند که تا هنوز دوا نرسیده است و فعلاً یک قلم دوا هم نداریم.»

معضل باشندگان غور تنها کمبود دارو نیست، بلکه نبود داکتران زن در بخش‌های نسایی ولادی از دیگر چالش‌ها شمرده می‌شود. براساس شکایت باشندگان غور، تنها در شفاخانه ولایتی شهر فیروزکوه دو پزشک زن فعالیت دارند. ولسوالی‌های این ولایت و بیشتر کلینیک‌های این ولایت داکتر زن ندارند. باشندگان غور نبود پزشک زن در مرکزهای درمانی این ولایت را چالشی جدی عنوان می‌کنند.

قوس‌الدین، باشندگان ولسوالی پساند غور، نیز از نبود داور در مرکزهای درمانی این ولسوالی سخن می‌گوید. قوس‌الدین می‌گوید با آن که پس از ریزش برف راه‌های این ولسوالی با مرکز غور مسدود می‌شود، اما تا هنوز هیچ امکانات طبی به مراکز درمانی این ولسوالی نرسیده است. او توضیح می‌دهد که امسال هوا نسبت به سال‌های گذشته سردتر و بیماری‌های فصلی بیشتر شده است. قوس‌الدین می‌افزاید: «امسال هیچ دوا نمی‌دهند به مریض‌ها، حتی یک پرستامول هم به مراجعین نمی‌دهند. می‌گویند منتظریم دوا برسد، اما تا هنوز نرسیده است.»

معضل باشندگان غور تنها کمبود دارو نیست، بلکه نبود داکتران زن در بخش‌های نسایی ولادی از دیگر چالش‌ها شمرده می‌شود. براساس شکایت باشندگان غور، تنها در شفاخانه ولایتی شهر فیروزکوه دو پزشک زن فعالیت دارند. ولسوالی‌های این ولایت و بیشتر کلینیک‌های این ولایت داکتر زن ندارند. باشندگان غور نبود پزشک زن

مرکزهای درمانی این ولایت را چالشی جدی عنوان می‌کنند و می‌گویند که به بیماران نسایی و ولادی رسیده‌گی درست نمی‌شود و آن‌چنانی که لازم است، خدمات صحتی به زنان عرضه نمی‌شود.

مسوولان در شفاخانه ولایتی غور نبود پزشک زن را پذیرفته و می‌گویند که در این شفاخانه هیچ داکتر زن متخصص حضور ندارد، بلکه دو پزشک در بخش نسایی و ولادی کار می‌کنند و نسبت به تعدادی زیاد مراجعه‌کننده‌گان نمی‌توانند به تمام مریضان زن رسیده‌گی کنند.

بنفشه که از ولسوالی چهارسده هراتی با دخترش به شفاخانه ولایتی غور آمده است، می‌گوید که دخترش دو شبانه‌روز است که از درد زایمان رنج می‌برد و باید عمل می‌شد تا او و کودکش زنده بمانند. داکتران ناگزیرند در چنین حالت‌ها از طریق عمل (سزارین) کودک را از بطن مادر بردارند. کودک این خانم اما به دلیل نبود مرکز درمانی مجهز و داکتران متخصص در ولسوالی چهارسده هراتی، تلف شده است. بنفشه می‌افزاید: «دو شب دخترم درد می‌خورد، آخر مجبور شدیم او را بیابوریم به شفاخانه، وقتی رسیدیم، داکتران گفتند طفل فوت شده و باید عملیات شود. ما هم قبول کردیم. داکتران مرد با یک داکتر زن او را عملیات کردند.»

یک منبع در ریاست صحت عامه غور به روزنامه ۸ صبح توضیح می‌دهد که طی قراردادی مسوولیت رسانیدن مواد طبی به غور را موسسه کمک‌های انسانی یا «CHA» برعهده دارد. به گفته او، این موسسه مسوولیت داشت تا در زمان مشخص و پیش از مسدود شدن راه‌های ولسوالی‌ها داروی کافی را به مرکزهای صحتی و کلینیک‌ها برساند، اما تا هنوز انجام نداده است. او می‌گوید که در حال حاضر راه‌های شماری از ولسوالی‌های غور به مرکز این ولایت مسدود است و امکان فرستادن دارو وجود ندارد. این منبع می‌گوید که در ولایت غور ۸۱ مرکز صحتی و درمانی به شمول شفاخانه ولایتی وجود دارد که همه آن‌ها با مشکل نبود دارو مواجه‌اند. نبود دارو و داکتر زن انتقادهای تند فعالان مدنی غور را نیز برانگیخته است. آنان هشدار می‌دهند، در صورتی که در زمستان پیش‌رو مشکل کمبود دارو در کلینیک‌های این ولایت برطرف نشود، آنان گواه موجی از تلفات انسانی خواهند بود.

گل‌چهره، یکی از این فعالان مدنی، می‌گوید که نبود داکتر زن سبب شده زنان به‌صورت کامل به خدمات صحتی دسترسی نداشته باشند. به سخن او، در حال حاضر بیشتر مراجعان زن به دلیل نبود پزشک زن نزد داکتران مرد مراجعه می‌کنند و این خود یک مشکل جدی برای زنان است. او می‌افزاید: «داکتر زن نیست و آن دو تایی هم که هست، رسیده‌گی نمی‌توانند. وقتی مریضان نسایی و ولادی به داکتر مرد مراجعه می‌کنند، طبیعی است که دردها و گپ‌های دل خود را گفته نمی‌توانند.»

گل‌چهره تأیید می‌کند که آن‌عده از بیماران نسایی و ولادی که نمی‌توانند به‌صورت طبیعی زایمان کنند، توسط داکتران مرد عملیات می‌شوند. این بانوی غوری علاوه می‌کند: «تمام کلینیک‌های صحتی از دارو محروم‌اند و اگر مسوولان اقدام نکنند، شاهد موجی از تلفات انسانی در غور خواهیم بود.»

باشندگان غور در حالی از نبود داکتر زن و کمبود دارو در مرکزهای درمانی این ولایت شکایت دارند که مقام‌های طالبان به‌تازگی هشدار داده‌اند که از این پس بیماران زن نباید نزد داکتران مرد مراجعه کنند.

سایه ازدهای سرخ...

آغاز کار استخراج معدن مس عینک لوگر گفت‌وگو کرده است.

استخراج غیرقانونی معادن و تقویت شورش‌گری

استخراج غیرقانونی و بی‌رویه معادن در طول چندین دهه گذشته، پیوسته باعث تقویت گروه‌های بنیادگرا و زورمندان منطقه‌ای شده است. در زمان حکومت پیشین نیز شماری از مقام‌های ارشد دولتی متهم به چاقی و استخراج غیرقانونی معادن بوده‌اند. مقام‌های امنیتی که در نشست‌های استجوابیه شورای ملی اشتراک می‌کردند، پیوسته از دست داشتن زورمندان در استخراج معادن و نامن‌سازی ساحه‌های دارای معادن سخن گفته‌اند. در همین حال، سال گذشته اداره بازرسی ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (SIGAR) از استخراج غیرقانونی معادن در سراسر افغانستان گزارش داده بود.

سیگار گفته بود که با حضور نیروهای خارجی در افغانستان، طی دو دهه گذشته شورشیان و جنگ‌سالاران از دو هزار منطقه معدنی در افغانستان عواید گردآوری می‌کردند. بر بنیاد گفته‌های بازرسی ویژه ایالات متحده، استخراج غیرقانونی معادن از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ تا زمان تصرف کابل توسط طالبان، سالانه ۳۰۰ میلیون دالر برای دولت زبان وارد کرده است. در حال حاضر منابع طلا و لاجورد در ولایت بدخشان از سوی چهره‌های منسوب به طالبان به شکل غیرقانونی استخراج می‌شود و سود آن به جیب طالبان و سایر گروه‌های بنیادگرای منطقه‌ای می‌رود و خطر تقویت تروریسم را افزایش می‌دهد.

قرارداد معادن و تنش‌های داخلی طالبان

به‌تازگی فارن‌پالیسی گزارش داده است که سرپرست وزارت داخله طالبان، در حال گسترش تسلط بر معادن افغانستان است. فارن‌پالیسی روز دوشنبه، ۲۰ سرطان، با نشر گزارشی به نقل از یک کارشناس معادن نوشته است که سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله طالبان و رهبر شبکه حقانی، در حال گسترش کنترل خود بر معادن افغانستان است؛ زیرا او درک می‌کند که با افزایش اختلاف‌های درونی طالبان و احتمال وقوع جنگ داخلی میان این گروه، کسی صاحب قدرت خواهد بود که پول استخراج معادن را در اختیار دارد. این رسانه گفته است که با در نظر داشت شرایط افغانستان، بخش معدن پایه قدرت و بقای کسانی را تأمین می‌کند که ساحات معدنی را در اختیار دارند و حقانی یکی از کسانی است که اهمیت معادن برای رسیدن به قدرت را درک می‌کند.

بهای تخمینی منابع زیرزمینی افغانستان

مطالعاتی که پیش از این در افغانستان صورت گرفته، نشان می‌دهد که بیشتر از ۱۴۰۰ نشانه معدنی، مواد معدنی و ذخایر مواد معدنی در کشور کشف شده است. بر بنیاد یک نظرسنجی‌ای که در سال ۲۰۱۰ میلادی انجام شده، زمین‌شناسان و محققانی که برای ارتش ایالات متحده کار می‌کردند، تنها ارزش منابع لیتیم افغانستان را که در غزنی، هرات و نیمروز واقع شده است «سه تریلیون دالر» تخمین زده‌اند. در حال حاضر گفته می‌شود که افغانستان ۲.۲ میلیارد تن سنگ آهن، حدود ۶۰ میلیون تن مس، حدود ۱۸۳ میلیون تن المونیم، حدود ۲ هزار و ۷۰۰ کیلو طلای دست‌نخورده، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تن سنگ مرمر و بیش از ۵۰۰ میلیون تن سنگ آهک، ۱.۴ میلیون تن عناصر کمیاب حاکی مانند لانتانیم، سریم و نیوبیمیم را در دل خود جا داده است. ارزش مخازن طبیعی دست‌نخورده کشور چیزی حدود هزار میلیارد دالر برآورد شده است.

نخستین قرارداد بزرگ طالبان با چینی‌ها

پس از سقوط دولت پیشین، این نخستین قرارداد بزرگی است که چین با طالبان می‌بندد. چین در حالی با این گروه قرارداد استخراج نفت به امضا رسانده که تاکنون طالبان را به رسمیت نشناخته و هیچ کشور در نظام بین‌المللی در یک‌ونیم سال گذشته این گروه را به عنوان یک دولت به رسمیت نشناخته و تعامل رسمی نکرده است. از سوی دیگر، این قرارداد در حالی میان طالبان و یک شرکت چینی به امضا رسیده است که چند هفته قبل، یک اقامت‌گاه شهروندان چینی در کابل مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. دولت چین اعلام کرده بود که در این حمله پنج شهروندش زخمی شده و از تمام شهروندانش در افغانستان خواسته بود که هر چه زودتر این کشور را ترک کنند. افزون بر این، سفیر این کشور در دیدار با معین سیاسی وزارت خارجه طالبان خواستار تأمین امنیت بیشتر شهروندان چینی در افغانستان شده بود.

استخراج زغال سنگ و ارسال آن به پاکستان

سال گذشته روزنامه ۸ صبح دریافت کرده بود که طالبان روزانه ۱۰ هزار تن زغال سنگ شمال کشور را به پاکستان صادر می‌کنند. براساس یافته‌های این روزنامه، طالبان این مقدار زغال‌سنگ را از ولایت‌های سمنگان و سرپل به پاکستان انتقال می‌دادند. این در حالی بود که مردم نمی‌دانستند قرارداد استخراج معادن زغال‌سنگ دره‌صوف بالای سمنگان و بلخاب سرپل با کدام شرکت منعقد شده است. شماری از باشندگان این ولایت‌ها تأیید می‌کنند که روند صادرات زغال‌سنگ به پاکستان همچنان به‌شدت ادامه دارد و طالبان از این منظر سود بزرگی به دست می‌آورند.

شهروندان کشور، جبهه مقاومت ملی و چهره‌های سیاسی در حالی از استخراج و عقد قرارداد معادن از سوی طالبان انتقاد می‌کنند که این گروه در سال جاری فهرست محدودی از معادن کشور را در وب‌سایت رسمی وزارت معادن به نشر رسانده‌اند.

فهرست معادن در ولایت‌ها براساس ادعای وزارت معادن طالبان

ریاست عمومی معلومات جیولوجیکی، وزارت معادن زیر اداره طالبان فهرست ۶۸۰ معدن، در ۳۱ ولایت را به نشر رسانده و گفته که این معلومات از ۱۴۰۱/۹/۲۲ به این‌سو از سوی این ریاست ثبت شده است. در فهرست ارایه‌شده از مهم‌ترین منابع معدنی آهن، طلا، مس، سنگ کج، نقرایت، سنگ مرمر، سنگ تراورتن، سنگ رخام، مواد گرانودیوریت، زغال‌سنگ، نمک، پولی میتال، بیروچ، کرمایت، تالک، کرومایت، فلورایت، کوارتز، سرب، جست، سنگ چونک، نمک طعام، طلا، مس، دولومیت و سایر سنگ‌های قیمتی نام برده شده است.

مس عینک و چین

این دومین قرارداد بزرگ منابع زیرزمینی افغانستان است که با چین بسته می‌شود. رهبران نظام جمهوری در ماه جوزای سال ۱۳۸۷ قرارداد مس عینک را با شرکت خصوصی «تالورجیکال گروپ موسوم به ام‌سی‌سی» به امضا رسانده بودند. ارزش معدن مس عینک افغانستان توسط چین سه میلیارد دالر تخمین شده است. کار این پروژه در گذشته به خاطر ناامنی و کشف یک شهرک تاریخی بودایی به بن‌بست خورد. علاوه بر این، در مورد شرایط قرارداد نیز میان شرکت چینی و دولت پیشین افغانستان اختلاف وجود داشت. به تازه‌گی اوومین، معاون اجرایی شرکت چینی ام‌سی‌سی، با عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی رییس‌الوزرای طالبان، روی



های مردان سرزمین خورشید، بخروشید و به میدان آرید، همه آنچه از خرد و زور با خود دارید؛ کسانی با تفنگ، کسانی با اعتراض و کسانی هم با قلم، همه نشانه‌ها به سمت هیولا!

♦ جوانمرد پاییز

سال شکست، سال پیروزی؛

درباره مبارزه زنان علیه طالبان

آزادی، ساختن انجمن‌های مخفی و آشکار، گسترش مبارزات، ایجاد ائتلاف‌ها و هماهنگی با چریک‌ها، از مهم‌ترین اصل‌های آزادی خواهد بود. مداخله و همکاری جهانی بدون شک در شکستن دستگاه طالبان موثر است، اما فراموش نکنیم که همین سازمان‌ها و دولت‌هایی که چشم امید اکثر مردمان، با ساده‌لوحی و قیافه‌های رحم‌انگیز بدان‌ها مانده است، دروازه‌های ورود هیولا را به شهرها کلید زده و باز کرده بودند.

اکنون که پیچ‌پیچ زنجیر طالبانی زندگی‌مان را بسته است، منجی‌ای نیست تا این قفل و زنجیر را باز کند، مگر خودمان. کلید زنجیر، اما به دست طالبان نیست، بلکه نزد خودمان است؛ کلید رهایی طغیان است!

آفرین بر تلاش زنان مبارز و شجاعی که به تنهایی صدا گشتند و خروشدند و حتا با اینار سهم تاریخی و اجتماعی مردان را هم شانه کردند و در خیابان‌ها رویاروی هیولا ایستادند، اما حقیقت را باید بدانند: سال پیش، سال شکست بود، برای همه ما. از آن‌جا که شکست به معنای توقف نیست، پس به مبارزه ادامه باید داد، تا آن‌که سال پیروزی فرا برسد؛ بی این‌که مبارزه در دام عنکبوت کلمه‌ها، ستایش‌ها یا مذمت‌ها گیر بیفتد، تنها به افق دوری که سپیده پیروزی در آن نمایان است چشم و امید باید داشت؛ زیرا در پشت، از آن‌جا که حرکت آغاز شده، ارزش‌های والا و حقیقت، بزرگ‌ترین علت و انگیزه ایمان و طغیان بوده‌اند. تا آزادی، نه شکست و نه پیروزی، قطعی نیستند.

منابع

- ۱- تاراتار در تاریخ اساطیری یونانیان قعر دوزخ را نامند
- ۲- دوهزار و بیست‌ودو، سال کامیابی زنان بود | روزنامه ۸صبح
- ۳- نوجوان دیوارنگار، آذرخشی در دل شب | آسو

پس پیروزی خواندن فرایندی که با کاستی‌های فراوان، تازه آغاز شده است و نیاز جدی به تقویت نظری و عملی دارد، چه چیزی است مگر بخشایش سرسری کلمه‌ها و حقیقت را لای غبار عاطفه پنهان کردن؟ قضاوت رمانتیک در برابر حقیقت تا چه هنگام؟ «راستی» دوست دارد همان‌گونه که هست نمایانده شود، نه آن‌گونه که دوست داشته می‌شود. به ویژه در این بزنگاه سرنوشت‌ساز، هنگامی که شر هیولاش با تمام نیروی خویش پیروز بر میدان نشست و خنده می‌زند به نمایش‌های قلمی‌ای که تلاش دارند حقیقت را به میل خویش بنمایانند.

های مردان سرزمین خورشید، بخروشید و به میدان آرید، همه آنچه از خرد و زور با خود دارید؛ کسانی با تفنگ، کسانی با اعتراض و کسانی هم با قلم، همه نشانه‌ها به سمت هیولا! هرآن‌چه در دسترس است، باید برای شکستن دستگاه امارت طالبان به کار برده شود. سکوت غلیظ شب را جز به جرقه سهم‌ناک آذرخش، مگر با چه راه دیگری می‌توان شکست؟ کسی از مردان خموش، آیا نمی‌تواند همچون موگور کالینسکوی ۳ نوجوان، شبی رنگ و گچ در دست، به شهر برآید و بر در و دیوار آن بنویسد: «مرگ بر طالبان!» و «زنده باد آزادی!»؟ عقابان کو؟ در کوهستان. همانانی که بر فرازها بال می‌زنند و با اسلحه به ستم نه می‌گویند؛ چه شتابی بهتر از همراهی و پیوستن به جمع این دلاوران و سخن و نوشتن؟ چه سخن و نوشتنی بهتر از خلق روایت برای مبارزان.

زنان، چه آن‌هایی که پس از مبارزات خیابانی با طالبان، از کشور خارج شده‌اند و چه آن‌هایی که در نهان‌گاه از تعقیب طالبان پنهان‌اند، روش‌های بسیاری برای ادامه اعتراض‌ها در دست هست؛ چه هر فرد در این نبرد می‌تواند با کاربرد شیوه‌های ویژه در برابر لشکر جهل و جنون بایستد. در یک نگاه راهبردی به سوی سپیده

آه، شرم‌ساریم!
هنگامی که شهر به ستیزه نیازمند است و زنان به همراهی مردانه، چه زشت است بی‌صدایی مردان. چه بسا مردانی که هنگام ضرورت، نعره‌های آتشین خویش را فروخورده و به سوزنی مرگ‌بار، تار درشت سکوت را بر لب دوخته‌اند یا شاید شلیک صدای خویش را در چهاردیوار خانه بر سر زن و فرزند خویش کوبیده‌اند، که اینان ننگ را بر افتخار ترجیح داده‌اند. جز آنانی که شلیک مسلسل‌شان، پیکر سنگستان‌ها را به لرزه انداخته است و جان طالبان را به خورد کرکسان و تارتار افکنده. همانانند آبروی زمانه، یاری‌دهنده و آزادی‌بخش، چریک‌هایی که بر فراز سردترین قله‌ها آزادانه بال می‌زنند و هنوز مقاومت می‌کنند. حقا تنها هم ایشان و زنان مبارزند که قاضی تاریخ در برابرشان مکث خواهد کرد و سر تعظیم فرود خواهد آورد.

نوشته‌ای در روزنامه ۸صبح نشر شده بود با این عنوان: «۲۰۲۲، سال کامیابی زنان» برخلاف پنداری که در این تیتیر نمایان است، من فکر می‌کنم، سالی که گذشت هرچند پر از مبارزه و تنش بود، به‌ویژه برای زنانی که یک‌پاره شجاعت و شور بودند؛ اما در عین حال، برای همه ما، به ویژه برای زنان، سال شکست و تجربه نیز بود.

به دو دلیل:
یک، در سالی که گذشت، زنان قریب از تمامی عرصه‌های جامعه حذف شدند.

دو، اعتراض زنان به کنش‌های طالبانی، تنها مانده و تاکنون به شدت سرکوب شده است.

اسلام، زنان و کابوسه به نام طالب



هدیه عارفی

بیشتر ترسناک کرده‌اند. مثلاً چون شما یک شخص مسلمان هستید، مخصوصاً یک زن مسلمان هستید، نمی‌توانید قاری قرآن باشید. صدای زن مسلمان حتا برای اذان گفتن هم قابل پذیرش نیست! زن مسلمان حق ندارد در صف نماز جلوتر از مردان بایستد. به عبارتی، نه می‌تواند اذان بگوید و نه یک پیش نماز باشد. درس دین را هم اگر بخواند، نه روحانی می‌شود و نه مرجع تقلید. اگر مدرک دکترا هم داشته باشد، یا اگر سال‌ها در دانشگاه برای تحصیل تلاش کرده باشد، اما اگر شوهرش اجازه ندهد، نمی‌تواند کار کند. چرا؟ چون در جامعه ما جنس دوم است و این حق قانونی و شرعی شوهر است که او را منع کند. اما امروز این حق از دست شوهر به دست طالبان محول شده است تا تعیین کنند که زنان حق کار یا تحصیل را دارند یا خیر.

زنان افغانستان در گذشته هم زنده‌گی خوبی نداشتند و اگر می‌خواستند گذرنامه/پاسپورت بگیرند، رضایت شوهر اولویت داشت. هر زمانی که شوهرش می‌خواست، باید برای ارضای او آماده می‌بود. اگر اطاعت نمی‌کرد، شوهر می‌توانست ادعا کند که زن تمکین ندارد و او را

من یک دختر دهه هشتادی‌ام که ۲۰ سال از دستاوردهای دموکراسی را در افغانستان تجربه کردم. وضعیت رفاهی مردم در آن زمان هم خوب نبود، اما خیلی بد هم نبود. آن نظام فواید بسیاری داشت. آزادی بیان، آزادی زنان، حق کار در ارتش و رسانه، سیستم اداری و حق تحصیل، ارزان، گرفتن پاسپورت و اعتبار ثبات بازار و حق تفریح، مسافرت، ورزش و... در کشور وجود داشت؛ اما با ظهور مجدد طالبان به قدرت در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ وضعیت اجتماعی کشور به قرون وسطا برگشت. طالبان فقط شعار سر دادند که امنیت را برای مردم آورده‌اند، اما اول باید بپرسیم که امنیت چیست.

امنیت به این نیست که طالب و داعش سرت را نمی‌برند. امنیت این نیست که نصف شب بمباران نمی‌شوی. این‌ها یعنی جنگ نیست. ناامنی یعنی نرخ دالر امروز و فردایت مشخص نباشد، ناامنی یعنی نمی‌دانی فردا سر کار خواهی بود یا نه، ناامنی یعنی از غذایی که می‌خوری می‌ترسی مبدا تقلبی باشد، ناامنی یعنی تا صبح ۱۰ بار به موتر و درب خانه سرک می‌کشی تا مبدا سرقت کنند، ناامنی یعنی به مسافرت راحت نمی‌توانی بروی مبدا پس‌اندازت تمام شود، ناامنی یعنی با هر مراسم جشن و عزا استرس دخل و خرج بگیر، ناامنی یعنی در عید هم استرس مهمانی بگیر و ناامنی یعنی نتوانی به راحتی چیزی بنویسی یا نتوانی عکس دل‌خواهت را روی پروفایلت بگذاری و... اما امروز ناامنی یعنی حق تحصیل هم نداشته باشی؛ محدودیت جدیدی که طالبان علیه زنان و دختران افغانستان وضع و آن را به یک گفتمان کلان سیاسی و تاریخی تبدیل کرده‌اند.

جایگاه و حقوق زنان را حتا دین اسلام نسبت به مردان کمتر تعریف کرده است. این پس نبود که طالبان با سواد مجهول، مبهم و تحریف‌شده از دین آن را

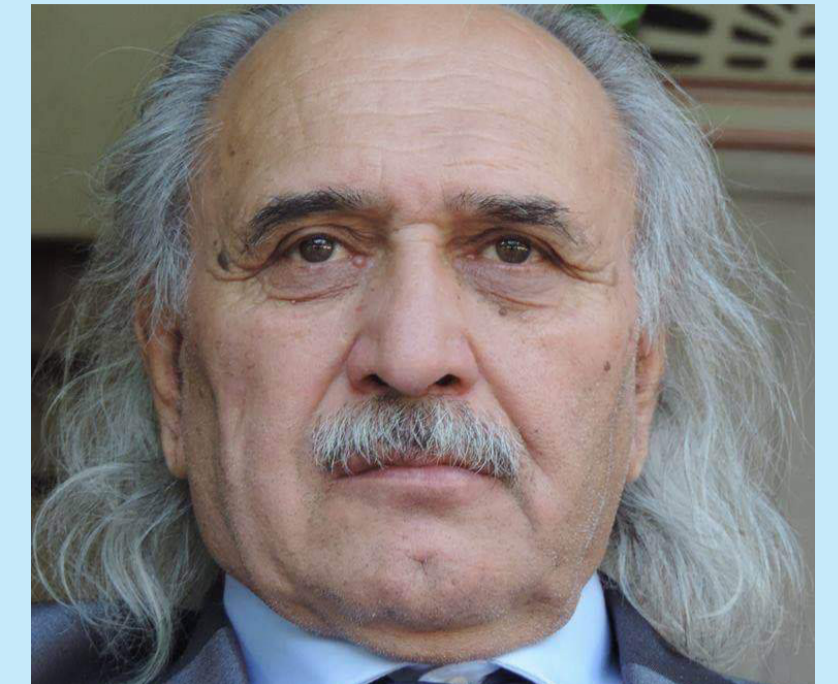
از نظر طالبان زن موجودی ناقص‌العقل است و براین اساس به شهادت او در هیچ موضوعی اهمیت داده نشود. اگر به سبب خشونت‌های خانواده‌گی این زنان دعوی طلاق درخواست کنند، باید برای دادگاه کلی مدرک و شاهد از بدرفتاری‌های و نزاع‌های همسر و خانواده همسر تهیه کند و در آخر هم این زنان وقتی برنده دعوا باشند، مجبورند مهریه خود را ببخشند تا شوهر تن به طلاق بدهد. اگر شوهر یک‌شبه نظرش از همسر برگشت بخورد اما می‌تواند خیلی راحت زنش را طلاق بدهد.

در روستاها این مساله بیشتر رخ داده است. اگر شوهر در بازار همسر خود را با مردی دیگر مشاهده کند، قبل درک وضعیت به داوری می‌پردازد و قانونی که برایش اجازه داده است را جاری می‌کند؛ یعنی به خود حق می‌دهد که همسرش را بکشد. اما اگر زنی شوهرش را با یک زن دیگر ببیند، هیچ حق اعتراضی نخواهد داشت؛ چون شوهر قانوناً و شرعاً حق دارد چهار زن عقدی و بی‌نهایت صیغه‌ای داشته باشد. این باعث می‌شود که زنان همیشه مجبور باشند رفتار مردان را تحت هر ظلمی تحمل کنند.

این‌ها فقط گوشه‌ای از مشکلات یک جامعه زن‌ستیز است. این مشکلات با تسلط مجدد طالبان بر افغانستان خلق نشده است. در یک‌دوینیم سال اخیر اما این موارد تشدید و تحریف شده است. هیچ شخصیت بد و منفی داستان و فلم تخیلی به قباحت رفتار طالبان از خود نشان نداده است. کارهای این‌ها، فراتر از تخیل فلم‌نامه‌نویستان و داستان‌نویسان است.

طالبان بعد از تمام این خون‌خواری‌ها و تبعیض‌ها فکر می‌کنند چه قدر دوام می‌آورند؟ چه قدر با این همه ظلم پابرجا خواهند بود؟ چیزی که ما می‌دانیم، این است که سیاه‌ترین لحظات شب، دقیقاً قبل از سحر است. این قانون طبیعت است، پس آن روز آمدنی است.

گویندهای خیام



پرتو نادری

پاره‌ای از رباعی‌های خیام با واژه «گویند» آغاز می‌شود. گاهی هم «گویند» و «گفت» در متن رباعی‌هایش می‌آیند. خیام در چنین رباعی‌هایی مانند یک راوی پدیدار می‌شود. سخنانی را روایت می‌کند و بعد می‌رسد به نتیجه‌گیری‌ها و بیان سخنان خود. در چنین رباعی‌هایی خیام، در همان نخستین مصراع یک روایت ماورایی را بیان می‌کند. بعد سخنانی می‌آورد در تقابل با آن و در نهایت رباعی از چنین تقابلی هستی می‌یابد و خواننده با گونه‌ای از دیالکتیک محتوایی روبه‌رو می‌شود.

گویند کسان بهشت با حور خوش است
من می‌گویم که آب انگور خوش است
این نقد بگیر و دست از آن نسبیه بدار
کاواز دهل شنیدن از دور خوش است

رباعیات حکیم عمر خیام، ۱۳۸۹، ص ۴۱

بربنیاد روایت‌های دینی، سرنوشت انسان در جهان پس از مرگ، ساده و روشن است. گنه‌کاران و کافران سرنوشتی جز رفتن به دوزخ ندارند، در مقابل آنان که با ایمان و نیک‌کردارند به بهشت می‌روند.

دوزخ عذاب جاودانه است و بهشت زندگی و لذت جاودانه. انسان در بهشت به زندگی و جوانی جاوید می‌رسد. همان رویایی که پیوسته در این جهان داشته و برای رسیدن به آن افسانه‌سازی و اسطوره‌سازی کرده است. در بهشت پیری و مرگ مفهومی ندارد. به این دلیل که کسی نه پیر می‌شود و نه هم می‌میرد. آن‌جا در بهشت جوی‌بار شراب است، زنان زیباروی و سیاه‌چشم و نعمت‌های فراوان دیگر. این همه برای انسان وعده داده شده است، اما انسان باید در این جهان همه رفتار خود را در چارچوب احکام دین هماهنگ سازد. این‌جا باید از بسیاری لذت‌های دنیایی بگذرد تا به لذت بهشتی برسد.

خیام اما از آب انگور سخن می‌گوید. برای آن‌که در دسترس و نقد است. تأکید می‌کند که در دم همین آب انگور را داری، نه وعده‌های دور بهشت را. وعده‌های بهشت را به آواز دهل همانند می‌کند که شنیدنش تنها از دور خوش است.

آب انگور کنایه از می است. چون می را از مواد قندی میوه‌ها و دانه‌ها و بیشتر از مواد قندی انگور می‌سازند. نخستین بار نیز می را از انگور ساخته‌اند. در این پیوند خیام در «نوروزنامه» روایت زیبایی آورده است که در زمان شاه‌شاه‌شیران در هرات می را چگونه از انگور ساخته‌اند.

«آواز دهل شنیدن از دور خوش است» در گفتار مردم چنان مثل معروفی وجود دارد. این مثل را زمانی به کار می‌برند که کسی با وعده‌های بلندبالایی بخواهد توجه دیگران را به خود جلب کند و تازه روشن نیست که آن وعده‌ها به جا می‌شوند یا نه! یا هم زمانی که به وعده کسی باور نداشته باشند می‌گویند: «آواز دهل از دور خوش است.»

خیام در رباعی دیگری باز هم تأکید می‌کند که وعده‌ها نسیه‌اند، از نسیه بگذر که نقد دم دست است.

گویند بهشت و حور کوثر باشد
جوی می و شیر و شهد و شکر باشد
پر کن قحح باده و بر دستم نه
نقدی ز هزار نسیه خوش‌تر باشد

همان، ص ۸۸

در این رباعی، نقد این جهان را بر نسیه بهشت برتری می‌نهد. بهشت را با همه حور، جویبارهای شهد و شرابش با یک قحح می‌کند که این‌جا ساقی روی دستش می‌گذارد، برابر نمی‌کند. نقدی ز هزار نسیه بهتر باشد، یادآور همان مثل معروف در میان مردم نیز است که می‌گوید: شش نقد، به از دینه نسیه!

در این بیت حافظ، مضمون این رباعی خیام این‌گونه بازتاب یافته است: «هن که امروز بهشت نقد حاصل می‌شود/ وعده‌ی فردای زاهد را چرا باور کنم.»

می‌دانند؛ اما این برترین کلام را پیوسته و به‌گونه دوام‌دار نمی‌خوانند، بلکه گاه‌گاه آن را می‌خوانند. او بر گرد پیاله آیتی را دیده است که مردم آن را در همه‌جا مدام می‌خوانند.

خیام این‌جا واژه «مدام» را با ایهام به کار برده است. وقتی می‌گوید «مدام خوانند آن را»، یعنی آن را همیشه می‌خوانند. در معنای دیگر، «مدام» در عربی به مفهوم شراب است. خیام می‌گوید: من بر گرد پیاله آیتی دیده‌ام که آن را شراب می‌خوانند. مدام در شعر شاعران دیگر نیز به مفهوم شراب آمده است.

دو زلفش دو شب دو خال مشکین
ظلام اندر ظلام اندر ظلام است
صبح از دست آن ساقی صبح است
مدام از دست آن دلبر مدام است

دیوان، دامغانی، منوچهری، انتشارات زوار، ۱۳۸۵، ص ۱۴

چون بیاید شام زددم جام من
گویمش وا ده که نامد شام من
زان عرب بنهاد نام می‌مدام
زان‌که سیری نیست می‌خور را مدام

مثنوی معنوی، سروش، عبدالکریم، دفتر سوم، ۱۳۸۰، ص ۵۳۷

بازهم نمونه دیگری در مثنوی:
باده می‌بایست‌شان در نظم حال
باده بود آن وقت ماذون و حلال
باده‌شان کم بود و گفت او با غلام
رو سبو پر کن به ما آور مدام

همان، دفتر پنجم، ص ۸۶۶

گویند کسان حور و عین خواهد بود
آن‌جا می و شیر و انگبین خواهد بود
گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک
چون عاقبت کار چنین خواهد بود

رباعیات حکیم عمر خیام، ص ۸۷

توصیف بهشت است. رسیدن به بهشت در چارچوب آموزه‌های دینی زمانی میسر است که انسان تمام رفتارهای خود را باید آن‌گونه تنظیم کند که احکام دین می‌گوید. پادشاه این پرهیزگاری رسیدن به بهشت و دست‌رسی به داشته‌های رنگارنگ آن است. خیام بازهم با لحن طنزآمیزی می‌گوید: چه باکی دارد

و چه جای نگرانی است که ما در این جهان می و معشوق گزیده‌ایم و می خواهیم زنده‌گی را به شادکامی به‌سر بریم؛ مگر آخر کار چنین نیست؟

رباعی‌های خیام که با «گویند» آغاز می‌شود، از نظر محتوایی با سرنوشت انسان پس از مرگ پیوند دارد. انسان با چه رویدادهایی در جهان پس از مرگ روبه‌رو می‌شود. در این‌گونه رباعی‌ها خیام از چنین رویدادهایی، روایت می‌کند. منبع این روایت‌ها خودش نیست، بلکه از دیگران یا بهتر است گفته شود از روایت‌های دینی روایت می‌کند.

این نکته را باید در نظر داشت که روایت کردن به مفهوم آن نیست که روایت‌گر به آن چیزی که روایت می‌کند، باورمند باشد. حتا کاربرد واژه «گویند» این احتمال را بیشتر می‌سازد که خیام به آن چیزی که روایت می‌کند بی‌باور است. یعنی همه را از قول دیگران می‌گوید، نه از خود. چون پیوسته در چنین رباعی‌هایی دیدگاه یا پرسش خود را در برابر این «گویندها» قرار می‌دهد.

سخن آخر این‌که وقتی در نوشته‌ای یا در روایت و گزارشی به واژه «گویند» می‌رسیم، پس از این واژه سطرهایی که می‌آید سخنان دیگران است و حتمی نیست که نویسنده به آن جمله‌ها باور و یقین داشته باشد.

زدن بر روی دریا می‌ماند. در همین پیوند مثل آب دریا کوبیدن، وجود دارد. آب دریا کوبیدن یعنی کار بی‌نتیجه کردن. خیام که از خشت زدن بر روی دریا می‌گوید، گونه‌ای شکایت است از مردمانی که اگر هزار بار حقیقتی را برای‌شان بیان کنی، چیزی در ذهن آنان تغییر نمی‌کند. گویی ذهن‌شان توانایی و ظرفیتی برای تغییر ندارد.

«بیزار شدم ز بت‌پرستان کنشت» گونه‌ای اعتراض خیام است بر باورهای گره‌بسته مذهبی که اهل آن مذهب بالاتر از گره عقیده خود حقیقتی را باور ندارند. «کنشت» آتش‌کده را گویند که پرستش‌گاه آتش‌پرستان است. پرستش‌گاه یهودان را نیز کنشت گویند. کنشت با بت‌پرستان پیوندی ندارد؛ اما خیام از «بت‌پرستان کنشت» نمادی ساخته است برای بیان اعتراض و بیزاری در برابر هرگونه باور مذهبی که فراتر از خود حقیقتی را نمی‌پذیرد.

در ترکیب «بت‌پرستان بهشت» این تعبیر نیز می‌تواند وجود داشته باشد که خیام از آنانی نیز بیان بیزاری می‌کند که با ظاهر بینی از دین و آیین خود بت ساخته‌اند. بتی که نیروی اندیشه و تفکر آنان را از کار انداخته است. او چنین افرادی را نیز بت‌پرست می‌خواند. بتی که نه از سنگ است و نه چوب، بلکه بتی است ذهنی و آنان در برابر این بت ذهنی اراده و اندیشه‌ای ندارند.

بهشت و دوزخ از دغدغه‌های هر انسان مذهبی در این جهان است. از دوزخ می‌ترسند و برای رسیدن به بهشت حتا از کشتن انسان‌هایی که پیرو دین و آیین دیگری‌اند، خم به ابرو نمی‌آورند. چنین کاری را حتا رضای خدا می‌انگارند. از بهشت چنان سخن می‌گویند که گویی پس از سال‌ها زیستن در بهشت تازه از آن‌جا برگشته‌اند. از حوران بهشتی و اناطومی اندام آنان چنان سخن می‌گویند که گویی سال‌ها با آنان خلوت کرده و هم‌خوابگی داشته‌اند.

خیام که بر روایت‌هایی ماورایی باورمند نیست، این پرسش را در میان می‌گذارد: کجاست آن‌که به دوزخ رفت و کجاست آن‌که از بهشت برگشت؟ گویی با همین پرسش بر روایت‌های دور و دراز دوزخ و بهشت نقطه انجام می‌گذارد.

قرآن که مهین کلام خوانند آن را
گاه‌گاه نه بر دوام خوانند آن را
بر گرد پیاله آیتی هست مقیم
کاندر همه جا مدام خوانند آن را

همان، ص ۳

خیام روایت می‌کند که قرآن را با آن‌که برترین کلام

گویند مرا که دوزخی باشد مست
قولی‌ست خلاف دل در آن نتوان بست
گر عاشق و می‌خوراه به دوزخ باشند
فردا نگری بهشت هم‌چون گفت دست

همان، ص ۴۲

در این رباعی طنز پوشیده‌ای وجود دارد. خیام با زبان طنزآلود با روایتی که در مصراع نخست می‌آورد، مخالفت می‌کند و آن را قول خلاف می‌داند. می‌پرسد که اگر بهشت جای عاشقان و می‌خوراه‌گان نباشد، پس جای چه کسانی است؟ اگر چنین باشد که عاشق و می‌خوراه دوزخی باشند، فردا، یعنی روز قیامت، بهشت مانند کف دستان ما خالی خواهد بود.

گویند هر آن کسان که با پرهیزند
زان‌سان که بمیرند چنان برخیزند
ما با می و معشوق از آنیم مدام
باشد که به حشرمان چنان انگیزند

همان، ص ۸۹

می‌گویند، هرکس که در این جهان هر گونه‌ای که زیسته باشد روز رستاخیز همان‌گونه برمی‌خیزد. طنز پوشیده‌ای در این رباعی نیز وجود دارد. خیام می‌گوید که او از آن در این جهان می و معشوق برگزیده تا باشد همین‌گونه در روز رستاخیز برخیزد. چون در بهشت چنین است. «گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک/ چون عاقبت کار چنین خواهد بود.»

تا چند زخم به روی دریاها خشت
بیزار شد ز بت‌پرستان کنشت
خیام که گفت که دوزخی خواهد بود
که رفت به دوزخ و کی آمد ز بهشت

همان، ص ۲۱

خشت زدن به روی دریا کنایه از کار کردن بی‌بهره است. هر قدر که به روی دریا خشت بزنیم، چیزی شکل نمی‌گیرد برای آن‌که تا ما خشتی روی دریا می‌گذاریم، موج‌های دریا آن را نابود می‌کند، با خود می‌برد و نتیجه‌ای به دست نمی‌آید. تمام عمر هم که روی دریا خشت زده شود، خشتی بالای خشتی قرار نمی‌گیرد.

خیام می‌خواهد بگوید که کسانی برای رسیدن به بهشت کارهایی را انجام می‌دهند که به همان خشت



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
مسول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

رمضان قدیروف، رئیس‌جمهور چین، اعلام کرده است که حدود ۳۰۰ جنگجوی این کشور در مناطق جنگی اوکراین، در حمایت از روسیه مستقر شده‌اند. این متحد نزدیک ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، روز شنبه، ۷ جنوری، در پیام تلگرافی نوشته است که این نیروهای گارد ملی چین در خط مقدم جنگ علیه نیروهای اوکراینی جنگ خواهند کرد. براساس گزارش خبرگزاری تاس، قدیروف گفته است که از زمان شروع جنگ اوکراین، جنگجویان چین توانایی‌های رزمی و کارایی بالایی در اجرای وظایف خود به نمایش گذاشته‌اند. رمضان قدیروف که نامش در فهرست تحریم اتحادیه اروپا است، از شورشیان طرفدار رهبر روسیه در شرق اوکراین، الحاق کریمه به روسیه و حمله این کشور به اوکراین به شدت دفاع کرده است.



امن ترین کشورها برای سفر؛ از ۱۵ کشور امن در جهان، ۱۱ مورد آن در اروپا قرار دارد

براساس گزارش سالانه بیمه مسافرتی برکشایر هاتاوی، از ۱۵ کشور امن برای سفر در سال جاری میلادی، ۱۱ مورد آن کشور اروپایی است. طبق این گزارش که به تازه‌گی نشر شده است، هلند، دانمارک و ایسلند در صدر فهرست امن‌ترین کشورها برای اهداف سفر قرار دارند.

این گزارش امن‌ترین شهرهای جهان را هم رتبه‌بندی کرده که ریکاباویک، پایتخت ایسلند، کپنهاگ و مونترال سه رتبه اول را به خود اختصاص داده‌اند.

خارج از اروپا، استرالیا رتبه چهارم، کانادا رتبه ششم، نیوزلند رتبه دهم و امارات متحده عربی رتبه سیزدهم را از آن خود کرده است.

بر اساس این گزارش، هلند، دانمارک، ایسلند، استرالیا، نروژ، کانادا، آلمان، سوئیس، نیوزیلند، اسپانیا، ایرلند، امارات متحده عربی، بریتانیا و بلژیک تنها مکان‌های امن برای سفر نیستند، بلکه مکان‌های نمادین در سراسر جهان هستند که مردم دوست دارند از آنها بازدید کنند.

حکم اعدام بر دو معترض دیگر نیز از سوی حکومت ایران اجرا شد



در ادامه اجرای حکم اعدام بر معترضان ایرانی دو معترض دیگر نیز که حکم اعدام بر آنان صادر شده بود، به ریسمان دار آویزان شدند.

میزان، وبسایت رسمی قوه قضایی ایران، گزارش داده است که محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی، دو معترض در بازداشت صبح روز شنبه، ۷ جنوری، اعدام شدند.

بربنیاد معلومات ارایه شده از سوی میزان، کرمی و حسینی به جرم قتل یک نیروی امنیتی ایران به‌نام سید روح‌الله عجمیان اعدام شده‌اند.

میزان تأکید کرده که اسناد و مدارک انکارناپذیر برای اثبات دست داشتن محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی در قتل مستقیم عجمیان وجود دارد.

اعدام معترضان در ایران با واکنش‌های گسترده جهانی مواجه شده است؛ اما جمهوری اسلامی اهمیت چندانی به آن نمی‌دهد.

مک‌کارتی

رئیس مجلس نماینده‌گان امریکا شد

مک‌کارتی ۵۷ ساله، برای ۱۴ بار متواتر نتوانست که آرای مورد نیاز را کسب کند، زیرا ۲۰ تن از هم‌حزبیان خودش با او در مخالفت قرار داشت. سرانجام پس از توافق بر بعضی از تقاضاهای مخالفین حزبی خود، توانست تا آرای لازم را بدست بیاورد.



شده است. این زمانی است که باید نظارت کنیم و در پالیسی‌های رییس‌جمهور تعادل ایجاد کنیم. پیش از این اعضای جمهوری خواه کنگره بارها از عملکرد حکومت بایدن از جمله از چگونه‌گی خروج از افغانستان انتقاد کرده و گفته بودند که آن را بررسی می‌کنند. یک‌صد و هزدهمین دوره تقنینی کانگرس امریکا به تاریخ ۳ جنوری آغاز شد و نماینده‌گان در جریان چند روز موفق نشدند که رییس مجلس را انتخاب کنند. آرای مورد نیاز را کسب کند، زیرا ۲۰ تن از هم‌حزبیان خودش با او در مخالفت قرار داشت. سرانجام پس از توافق بر بعضی از تقاضاهای مخالفین حزبی خود، توانست تا آرای لازم را بدست بیاورد.

نماینده‌گان کنگره امریکا پس از چهار روز تلاش و ۱۵ بار رای‌دهی، سرانجام قادر شدند تا رییس مجلس را انتخاب کنند. اعضای این مجلس که جمهوری خواهان اکثریت آن را تشکیل می‌دهند، روز شنبه، ۷ جنوری، مک‌کارتی جمهوری خواه را به‌عنوان رییس جدید برگزیدند. انتظار می‌رود که با آغاز کار مجلس نماینده‌گان کانگرس، بسیاری از پالیسی‌های جو بایدن، رییس‌جمهور امریکا، به چالش کشانیده شود. مک‌کارتی تأکید کرده است که این مجلس قانون‌گذاری به گونه‌ای فعالیت خود را طراحی خواهد کرد تا در پالیسی رییس‌جمهور کنونی امریکا تعادل ایجاد شود. او گفته است: «نظام ما براساس نظارت و ایجاد تعادل بنا



بورل در واکنش به اعدام دو معترض ایرانی: از این اقدام ایران «منزجر» شده‌ام

مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به اعدام محمد مهدی کرمی و سیدمحمد حسینی، دو تن از معترضان بازداشتی، گفته که از این اقدام ایران «منزجر» شده است.

جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجه اتحادیه اروپا، روز شنبه، ۷ جنوری، در بیانیهای گفته است: «اتحادیه اروپا از اعدام محمد مهدی کرمی و سیدمحمد حسینی که در ارتباط با اعتراضات جاری در ایران دست‌گیر و به اعدام محکوم شدند، منزجر شده است.»

گفتنی است که در ادامه اجرای حکم اعدام بر معترضان ایرانی، دو معترض دیگر نیز که حکم اعدام بر آنان صادر شده بود، در روزهای گذشته اعدام شدند.

بربنیاد معلومات ارایه شده از سوی خبرگزاری میزان، کرمی و حسینی به جرم قتل یک نیروی امنیتی ایران به‌نام سیدروح‌الله عجمیان اعدام شده‌اند.

امریکا دهها تانک ضد گلوله برادلی به اوکراین می‌دهد

کی‌یف انتظار دارد کمک‌های مشابه از سوی فرانسه نیز اعلام شود. در همین حال، اولاف شولتز، نخست‌وزیر آلمان، اعلام کرده است که ۴۰ تانک ضد گلوله ماردرس را در اختیار اوکراین قرار خواهند داد. تانک زرهی برادلی که هفت تن را در میدان نبرد حمل می‌کند و همچنان می‌تواند موشک‌های هدایت شونده TOW را با لوله پرتاب کند.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که قرار است امریکا در ادامه کمک‌های تسلیحاتی به اوکراین، دهها تانک ضد گلوله از نوع برادلی به این کشور بدهد. الجزیره در گزارشی روز جمعه، ۶ جنوری، گفته است که احتمالاً شمار این تانک‌ها به ۵۰ عراده برسد. بربنیاد معلومات نشر شده، این کمک‌های تسلیحاتی شامل بسته کمکی جدید ۳ میلیارد دلاری امریکا به اوکراین است.



حمله سایبری هکرهای روس به مراکز هسته‌ای امریکا

سایبری به وزارت خارجه بریتانیا در سال ۲۰۱۶ توسط کارشناسان امنیت سایبری شناسایی شد در سال‌های اخیر ده‌ها حمله مهم دیگر انجام داده است.

خبرگزاری رویترز با ردگیری آدرس ای‌میلی که در حملات این گروه در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ مورد استفاده قرار گرفته، به این نتیجه رسیده که این آدرس متعلق به یک کارمند موسسات اینترنتی در شهر «سیکتیوکار» روسیه است.

کارشناسان امنیت سایبری می‌گویند که «رودخانه سرد» یکی از مهم‌ترین گروه‌های هکری است که تاکنون شناسایی شده و «به طور مستقیم» در حمایت از عملیات اطلاعاتی حکومت روسیه کار می‌کند.

حملات را مشخص کند. هیچ‌یک از این مراکز نیز حاضر نشده‌اند در این مورد اظهار نظر کنند.

کارشناسان امنیت سایبری گفته‌اند که گروه موسوم به «رودخانه سرد» از آغاز حمله روسیه بر اوکراین، حملات سایبری به متحدان غربی اوکراین را افزایش داده است.

حملات این گروه به آزمایشگاه‌های هسته‌ای در امریکا همزمان با ورود بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا در اوکراین روی داد که به دلیل نزدیکی به خط مقدم جبهه در ماه‌های تابستان وضعیت خطرناکی داشت.

گروه موسوم به «رودخانه سرد» که اولین بار پس از حملات

خبرگزاری رویترز به نقل از چند کارشناس امنیت سایبری گزارش داده که یک گروه از هکرهای روس موسوم به «رودخانه سرد»، سه آزمایشگاه تحقیقات هسته‌ای در امریکا را هدف قرار داده است.

رویترز روز جمعه، ۶ جنوری، همچنان با استناد به اسنادی که در اختیارش قرار گرفته، گفته است که این حمله در تابستان سال ۲۰۲۲ صورت گرفته بود.

هکرها با ایجاد صفحات جعلی ورود به شبکه اینترنت داخلی این مراکز هسته‌ای و با فرستادن ایمیل به دانشمندان تلاش کرده‌اند که حروف رمز ورود آن‌ها به شبکه را کشف کنند.

خبرگزاری رویترز نتوانسته است دلیل حملات سایبری به این سه آزمایشگاه هسته‌ای و احتمال یا درصد موفقیت این